

در خط مقدم انقلاب: مصاحبه اختصاصی با سخنگوی حزب کمونیست هند (مائوئیست)

جنگ مردم در هند به عنوان یکی از مهم‌ترین مبارزات انقلابی در جهان شناخته می‌شود. این جنگ که به عنوان بزرگ‌ترین تهدید امنیت داخلی هند از سوی دولت هند شناخته می‌شود، حزب کمونیست هند (مائوئیست) نیرویی پیشرو است که با خصوصی‌سازی منابع طبیعی، استثمار کارگران و ترویج برنامه هندووتا (Hindutva) نارندرا مودی مبارزه می‌کند.

در یک مصاحبه اختصاصی، با سخنگوی حزب، امروت، عضو کمیته مرکزی و مسوول روابط بین‌الملل حزب کمونیست هند (مائوئیست) درباره شرایط منحصر به فرد هند، تلاش‌ها برای ساختن جامعه‌ای جدید در مناطق چریکی و دیدگاه‌های آن‌ها در مورد مسائل مهم جهانی، از جمله ماهیت چین و ظهور قدرت‌های امپریالیستی جدید صحبت کردیم.

چند وقت است که حزب کمونیست هند (مائوئیست) در جنگ مردم هند درگیر است و وضعیت این درگیری در حال حاضر چگونه است؟

این سوالی اساسی برای انقلاب هند است. برای پاسخ به این، باید پنج دهه به عقب بازگردیم. تاریخ جنگ مردم در هند به دوران پرهیاهوی انقلاب فرهنگی بزرگ پرولتری در دهه ۶۰ میلادی باز می‌گردد، که به عنوان یک دهه پرتنش شناخته می‌شود. در این دوران، دو رهبر برجسته و پیشرو از جریان‌های ما — رفقا چارو مزومدار و کانه‌های چاترجی — در روند به‌کارگیری مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم (MLM) به شرایط خاص هند و مبارزه و افشای ریزویونیسم جدید و قدیمی حزب کمونیست هند (CPI) و ریزویونیسم جدید حزب کمونیست هند (مارکسیست) (CPI (M)) ظهور کردند.

قیام بزرگ نکسلباری که توسط رفیق چارو مزومدار در ماه مه ۱۹۶۷ رهبری شد، در آن زمان به عنوان «رعد بهار در هند» توسط حزب کمونیست چین (CPC) اعلام شد و به عنوان ندای انقلاب برای انقلابیون شناخته شد. تحت رهبری انقلابی رفقا چارو مزومدار و کانه‌های چاترجی، هزاران نفر از اعضای حزب‌های سابق CPI(ML)(PW) و MCCI از ریزویونیسم جدید کنگره جدا شدند و به آن‌ها پیوستند. رفیق چارو مزومدار حزب کمونیست هند (مارکسیست-لنینیست) را تشکیل داد و رفیق کانه‌های چاترجی مرکز کمونیست (مائوئیست) (MCC) را تشکیل داد. این دو معلم بزرگ مارکسیست تحلیل طبقاتی از جامعه هند انجام دادند و استراتژی سیاسی انقلاب دمکراتیک جدید هند را پایه‌گذاری کردند.

استراتژی سیاسی حزب ما انقلاب مسلحانه دهقانی و تصرف قدرت سیاسی در سطح منطقه‌ای است. استراتژی نظامی حزب ما جنگ مردم درازمدت (PPW) است. طبق این استراتژی، ما مناطق روستایی را به عنوان مناطق پایگاه خود می‌سازیم، جایی که دشمن نسبتاً ضعیف است و سپس به تدریج شهرها را که دژهای نیروهای دشمن هستند محاصره کرده و تصرف می‌کنیم. طبق نظریه جنگ مردم درازمدت رفیق مائو، سه مرحله برای تصرف قدرت دولتی وجود دارد. در حال حاضر، انقلاب هند در مرحله «دفاع استراتژیک» قرار دارد.

دولت هند از دهه‌ها پیش سعی در حذف حزب کمونیست هند (مائوئیست) از طریق عملیات «گرین هانت» داشته است. وضعیت فعلی این عملیات چیست؟

باید اذعان کرد که قبل از شروع عملیات گرین هانت، حرکت انقلابی هند قبلاً تحت سرکوب و کمپین‌های سرکوب شدید قرار گرفته بود. حزب‌های پیشین ما، CPI(ML)(PW) و MCCI، از زمان آغاز قیام مسلحانه بزرگ نکسلباری، تحت سرکوب فاشیستی دولت واکنش‌گرای هند قرار گرفتند. اولین کمپین ضد شورش، «عملیات استیپل چیس» در دهه ۱۹۷۰ آغاز شد و کمپین‌های سرکوب‌گری مختلفی در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی اجرا شد. با ادغام دو جریان انقلابی، حزب جدید ما، CPI (مائوئیست)، در سال ۲۰۰۴ تشکیل شد. از آن زمان، دولت هند این حزب را بزرگ‌ترین تهدید امنیت داخلی کشور اعلام کرده است. از آن زمان، دولت هند عملیات‌های ضدشورشی طولانی‌مدتی چون سالوا جودوم، سندرا، عملیات گرین هانت، عملیات سامان و در اوایل سال ۲۰۲۴، دولت هند یک عملیات نظامی جدید به نام «عملیات کاگار» (جنگ نهایی) را آغاز کرد که بخشی

از طرح ضد حمله استراتژیک سوراجکند واکنش گرایانه است. تمامی این کمپین‌ها جزئی از «جنگ کم‌فشار» هستند که استراتژی امپریالیست‌های آمریکایی برای سرکوب جنبش‌های مردم در سطح جهانی است.

عملیات گرین هانت برای ۱۰ سال طول کشید و پس از کمین مینیا که در آن تعداد زیادی از نیروهای پلیس مرکزی نابود شدند، بازنگری شد. سپس عملیات جدیدی به نام سامان در مه ۲۰۱۷ آغاز شد. دولت هند عملیات سامان را با دوره زمانی پنج ساله برای از بین بردن مائوئیست‌ها در کشور اعلام کرد. عملیات سامان در اکتبر ۲۰۲۲ بازمینی شد و طرح جدید ضد حمله استراتژیک سوراجکند آغاز شد. در حال حاضر، پایگاه‌های عملیاتی جلو (FOBs) در حال ساخت هستند و امنیت در سراسر مناطق جنبش انقلابی شدت یافته است.

حکومت نارندرا مودی چه تفاوتی با دولت‌های قبلی دارد؟ حزب کمونیست هند (مائوئیست) و PLGA چگونه تغییرات تحت رهبری مودی را تجربه کرده‌اند؟

بله! رژیم فعلی که تحت رهبری نارندرا مودی است، با دولت‌های قبلی تفاوت دارد. حزب ما به این نتیجه رسیده است که فیودالیسم هند، فیودالیسم مبتنی بر کاست است و برهمنیسم ایدئولوژی آن است. تمامی دولت‌های قبلی نمایندگان طبقات حاکم هند بودند که شامل فیودالی‌ها و بورژوازی خریدار بودند و ایدئولوژی آن‌ها چیزی جز برهمنیسم نبود. اما شکل فعلی دولت هند، طبق درک حزب ما، فاشیسم هندووتا برهمنی است که تحت رهبری RSS و BJP قرار دارد. در حال حاضر، نارندرا مودی رهبر اصلی فاشیسم هندووتا است و او ده سال است که نخست‌وزیر هند بوده است. دولت فعلی BJP قصد دارد هند را به یک «هندو-اشترا» (کشور هندو) تبدیل کند که چیزی جز فاشیسم بورژوازی-فیودالی خریدار نیست.

دولت BJP حتی اجازه نمی‌دهد که «دموکراسی رسمی» کار کند و به تدریج حملات خود را با هر روزی که می‌گذرد تشدید می‌کند.

هند تحت رهبری مودی تاریخچه‌ای از سرکوب اقلیت‌های دینی و قومی دارد، هم به صورت فیزیکی و هم از نظر بیانی. موضع حزب شما در این باره چیست؟

این نه شووینیسم هندی، بلکه شووینیسم هندو است. بله، شما کاملاً درست می‌گویید که دولت مودی در حال تحقیر اقلیت‌های دینی و قومی و قطبی‌سازی جامعه است. حزب ما بر این باور است که اقلیت‌های دینی، به ویژه جوامع مسلمان، قبایل، افراد دالیت و زنان، به عنوان شهروندان درجه دو زندگی می‌کنند و نیاز دارند که در برابر شووینیسم هندو که توسط دولت مودی اجرا می‌شود، برای رهایی خود متحد شوند. هدف حزب ما سازماندهی این اقشار در جنگ مردم برای رهایی آن‌ها است. دولت کنونی سیاست‌های هندووتای خود را که ترکیبی از کاستی‌گرایی و قوم‌گرایی است، با کارگزاری در خدمت منافع امپریالیست‌ها، بورژوازی بوروکراتیک خریدار و زمین‌داران تلفیق کرده است. حزب BJP از دین به عنوان ابزاری قدرتمند برای حفظ قدرت و ایجاد تفرقه در جامعه استفاده می‌کند. با استفاده از این ابزار مذهبی، BJP توده‌ها را از مسائل واقعی منحرف می‌کند. تقدیس معبد رام درائوودیا در تاریخ ۲۲ ژانویه ۲۰۲۴ نمونه‌ای کامل از این است که چگونه توده‌ها از بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شدیدی که کشورمان با آن‌ها مواجه است، منحرف می‌شوند.

حزب ما با اصول سکولاریسم، حق آزادی مذهب، آزادی بیان و تنوع فرهنگ‌ها، زبان‌ها، عادات غذایی و غیره ایستاده است. در حالی که فاشیسم هندووتا علیه تمامی این ارزش‌های دموکراتیک است.

اگرچه راه زیادی تا موفقیت در مبارزه با پدرسالاری باقی است، حرکت انقلابی و جنبش زنان انقلابی تغییرات قابل توجهی در وضعیت زنان در مناطق پایگاه‌های گوریلایا به ارمغان آورده است.

در خلال قیام نکسالباری در دهه ۱۹۶۰، دهقانان زمین‌داران بزرگ را کشتند و زمین‌های آنان را تصاحب کردند. دهقانان چه نقشی در حزب (CPI (Maoist) و مبارزه کنونی ایفا می‌کنند؟

شما به گذشته عملکردهای حزب ما اشاره کرده‌اید که خط چپ‌روی ماجراجویانه «انهدام دشمن طبقاتی» را به عنوان تنها راه موفقیت در انقلاب کشاورزی هند دنبال می‌کرد. ما این اشتباه را اصلاح کرده‌ایم. ما اصول مارکسیستی اتحاد کارگر و دهقان را

می‌پذیریم. حالا به سوال شما برمی‌گردیم. هند یک کشور کشاورزی است. دهقانان اکثریت جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. دهقانان همچنین اکثریت اعضای حزب، PLGA، سازمان‌های توده‌ای انقلابی و کمیته‌های مردمی انقلابی را تشکیل می‌دهند. به این ترتیب، دهقانان بخشی از ابعاد اجتماعی، سیاسی، نظامی و اقتصادی جنگ مردم جاری هستند. تمامی سران کمیته‌های حزب، میلیشیاهای و ارگان‌های قدرت دولتی مردم در سطح محلی دهقان هستند. در حال حاضر، اکثریت در PLGA رفقای دهقان قبیله‌ای هستند که گردان‌ها، شرکت‌ها و هنگ‌ها را هدایت می‌کنند.

وضعیت فقر و فلاکت. مبارزات مردم در کشور وضعیت واقعی را نشان می‌دهد.

مودی از دین به‌عنوان ابزاری برای منحرف کردن مردم از شرایطی که اکثریت وسیع آن‌ها در آن زندگی می‌کنند، استفاده کرده است. در این مسیر، او تنوع کشورمان را به نام هندووتا تضعیف کرده است. برای زرد کردن کشور، او به قانون اساسی هند که وعده حکومتی سکولار به مردم هند داده است، حمله می‌کند. دولت مودی خانه‌های جوامع مسلمان را تخریب می‌کند. به نام «حفاظت از گاو»، مسلمانان، دالیت‌ها و ایدیواسی‌ها را در روز روشن مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد. سخنان تنفرآمیز از طریق کانال‌های رسانه‌ای اصلی که توسط دولت حمایت می‌شوند، پخش می‌شود.

تمام صحبت‌ها در مورد تبدیل هند به «سومین اقتصاد بزرگ» یک فریب بزرگ است. کشور شاهد رشد بیکاری است. در واقع، پارامترهایی که دولت برای ادعای «رشد» در اقتصاد به کار می‌برد، حتی توسط اقتصاددانان بورژوازی نیز پذیرفته نمی‌شوند. به‌عنوان مثال، رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور. انتقاد این است که اندازه‌گیری GDP با سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های خارجی اشتباه است. دولت به اعضای بورژوازی بوروکراتیک خریدار مانند آدانی و آمبانی کمک می‌کند. جامعه هند شاهد شکاف عمیقی در همبستگی اجتماعی است که بر اساس دین و کاستی توسط فاشیسم هندووتا ایجاد شده و به‌طور عمدی برای خدمت به طبقه خریدار داخلی و اربابان امپریالیستی آن انجام می‌شود. توسعه فناوری سنگین، سود را به سرمایه‌داران هم‌پیمان می‌رساند که به امپریالیست‌ها خدمت می‌کنند، در حالی که بیش از نیمی از جمعیت در زیر خط فقر زندگی می‌کنند. هند به سرمایه‌گذاری‌های امپریالیستی، واردات فناوری و کالاهای سرمایه‌ای وابسته است. هند هیچ ویژگی از امپریالیسم ندارد و نمی‌توان آن را «امپریالیستی» نامید. هند هنوز یک کشور نیمه‌مستعمراتی و نیمه‌فیودالی است.

هند یکی از اعضای سازمان همکاری شانگهای است. ارزیابی شما از این همکاری که شامل روسیه، چین، برزیل و آفریقای جنوبی است، چیست؟

نظر شما درباره مفهوم «چین سوسیالیستی» و «سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی»، که توسط دولت چین، فعالان، احزاب و روزنامه‌نگاران ترویج می‌شود، چیست؟

چین از اواخر دهه ۱۹۷۰ دیگر یک کشور سوسیالیستی نبوده است. حزب ما معتقد است که چین از سال ۲۰۱۴ به یک کشور سوسیال-امپریالیستی تبدیل شده است. «سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی» چیزی جز ادعای دروغین طبقه حاکم امپریالیستی کنونی چین نیست. برخی از رفقا درک روشنی از ویژگی‌های امپریالیستی که چین در فرایند احیای سرمایه‌داری به آن دست یافته است ندارند. در سال ۲۰۱۷، حزب ما یک سند با عنوان «چین، یک قدرت سوسیال-امپریالیستی جدید: بخشی از سیستم سرمایه‌داری-امپریالیستی جهانی» منتشر کرد که تحلیل ما را از چین توضیح می‌دهد. بدون توجه به ارقام و آمار، سیاست‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی طبقه حاکم چین به وضوح امپریالیستی هستند.

چین به همین دلیل نه یک کشور سوسیالیستی و نه کمونیستی است. چین یک کشور سوسیال-امپریالیستی است. شواهدی که این موضوع را اثبات می‌کند شامل رشد سرمایه‌داری انحصاری و الیگارش‌ی مالی است. سرمایه به شکل گسترده‌ای انباشت می‌شود. سرمایه مالی حاکم است. چین در حال سرمایه‌گذاری در تمام نقاط جهان است. چین در حال رقابت با ایالات متحده برای هژمونی جهانی است. چین در کنار روسیه، ائتلاف‌هایی همچون سازمان همکاری شانگهای و BRICS را رهبری می‌کند و در تلاش است تا جهان را مجدداً تقسیم کرده و مواد خام و بازارها را استثمار کند.

چین امروز با چین زمان مائو چه تفاوتی دارد؟

مائو حزب کمونیست چین را رهبری می‌کرد و حتی تحت دیکتاتوری پرولتاریا انقلاب سوسیالیستی را ادامه می‌داد، از جمله از طریق انقلاب فرهنگی پرولتاریایی بزرگ (GPCR). GPCR یک دستاورد بزرگ مائو بود. این یک مبارزه سیاسی نظری و یک اوج عظیم از توده‌های انقلابی بود. هدف GPCR ادامه انقلاب در تمام زمینه‌های ابرساختار به‌منظور پیشرفت سیستم اقتصادی سوسیالیستی به سمت ساخت یک جامعه کمونیستی بود. هدف آن، حذف کامل امکان بازسازی طبقات برچیده‌شده در انقلاب دموکراتیک نوین (طبقات بزرگ زمین‌دار و بورژوازی بوروکراتیک خریداری که به امپریالیسم خدمت می‌کردند) و ادامه دیکتاتوری پرولتاریا با جلوگیری از تلاش‌های طبقات دشمن برای بازگرداندن سرمایه‌داری بود.

GPCR همچنین هدف فوری برای پایان دادن به ریوژنیسم و استفاده از قدرت توده‌ها در مبارزه‌ای بر اساس خط توده‌ای به‌منظور حذف «سرمایه‌داری»های مستقر در رهبری و سازمان حزب داشت. این یک مبارزه طبقاتی پیچیده علیه «سرمایه‌داری‌روها» بود و ادامه‌ای در چین از مبارزه جهانی علیه ریوژنیسم مدرن بود. این می‌توانست تا مدت ده سال از بازسازی سرمایه‌داری جلوگیری کند. به‌دلیل عوامل داخلی و برخی عوامل خارجی، سرمایه‌داری در نهایت بازسازی شد. امروز چین یک کشور سوسیال-امپریالیستی است.

آیا معتقدید که لحظه کنونی برای چپ جهانی یک نقطه عطف حیاتی است؟

نیروهای انقلابی هرگز در یک دو راهی قرار نگرفته‌اند، چه در دوران پس از مرگ استالین در اتحاد جماهیر شوروی، چه پس از مرگ مائو در چین، یا زمانی که تحت تأثیر ریوژنیسم شوروی و ریوژنیسم دنگ قرار گرفتند. وقتی خروشچف و گروه ریوژنیست در میانه دهه ۱۹۵۰ به قدرت رسیدند، هدف آن‌ها بازسازی سرمایه‌داری بود. چین در آن زمان در حال ساخت سوسیالیسم بود. حزب کمونیست چین تحت رهبری رفیق مائو تسه‌تونگ یک مبارزه نظری علیه ریوژنیسم مدرن خروشچف انجام داد، که به عنوان «مباحثه بزرگ» در جنبش کمونیستی بین‌المللی شناخته شد.

کشورهای اروپای شرقی مانند یوگسلاوی به ریوژنیسم خروشچف پیوستند و از مسیر ساخت سوسیالیسم خارج شدند. مائو همچنین تحلیلی ارائه داد که چرا اتحاد جماهیر شوروی نتوانست به ساخت سوسیالیسم ادامه دهد. مائو از اتحاد جماهیر شوروی درس‌هایی گرفت و آن‌ها را در چین به‌کار برد. حزب کمونیست چین تحت هدایت او خواستار انقلاب فرهنگی پرولتاریایی بزرگ شد که ده سال در برابر بازسازی سرمایه‌داری مبارزه کرد. بعد از آن، زمانی که دنگ به رهبری حزب کمونیست چین و دولت مردم چین رسید، او یک ضدانقلاب را برای بازسازی سرمایه‌داری رهبری کرد. از آن زمان به بعد، هیچ پایگاهی برای سوسیالیسم در جهان وجود ندارد.

سرمایه‌داری در هر دو کشور به‌دلیل حل‌نشده بودن تناقض میان سرمایه‌داری و سوسیالیسم بازسازی شد. این فرایند مبارزه است که در آن جامعه از فیودالیسم به سرمایه‌داری، سپس به سوسیالیسم و در نهایت به کمونیسم پیش می‌رود. همه کشورهای جهان باید این درس‌ها را برای انجام یک انقلاب موفق بیاموزند. احزاب پرولتری که این درک را دارند در حال تلاش برای انجام انقلاب در شرایط خاص کشورهای خود هستند.

□ آیا نکته دیگری برای اضافه کردن دارید؟

در پایان، می‌خواهم از طرف حزب‌مان همبستگی خود را با جنگ‌های مردم در حال انجام، جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و مبارزات ضدامپریالیستی در سراسر جهان ابراز کنم. از همه این نیروها می‌خواهم که در فعالیت‌های انقلابی برای ریشه‌کن کردن امپریالیسم از زمین و برقراری سوسیالیسم و سپس کمونیسم در سراسر جهان با هم متحد شوند. زمان آماده است. بیایید شجاعانه عمل کنیم. بیایید به پیروزی دست یابیم. کارگران همه کشورهای جهان، متحد شوید!